۵ مصدوم در تصادف زنجیره‌ای

۱۴ خودرو در بزرگراه امام‌علی(ع) به‌دلیل ریخته‌شدن ضایعات مرغ در آنجا با هم تصادف کردند و پنج نفر مصدوم شدند. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران به جام جم گفت: ۲۷ دقیقه بامداد چهارشنبه هشتم مرداد امسال، وقوع تصادف زنجیره‌ای میان ۱۴ خودرو در مسیر شمال به جنوب بزرگراه امام‌علی(ع) نرسیده به خروجی میدان معلم به آتش‌نشانی گزارش شد و آتش‌نشانان در آنجا حاضر شدند. وی افزود: آنها مشاهده کردند که ۱۴ دستگاه خودرو از انواع خودروهای سواری، با هم برخورد کرده‌اند که برخی خودروها دچار خسارت‌های زیادی شده‌اند. در جریان امدادرسانی آتش‌نشانان چهار زن و یك مرد را که سرنشینان خودرو بودند و مصدوم از خودروها نجات داده و خارج کردند. بررسی‌ها درباره علت حادثه نشان می‌داد که ریختن مقداری ضایعات مرغ احتمالا به دلیل حمل غیراصولی آن باعث‌شده که معبر لغزنده شده و این تصادف زنجیره‌ای میان ۱۴ دستگاه خودرو به وجود آید.

گفت‌وگو با جوانی که ۱۴ سال به اتهام قتل دوستش در حبس بود

از ترس اعدام، رفیقم را دفن کردم

فاطمه شیخ‌علیزاده
حوادث

رفیق گرمابه و گلستان بودند و بعد از چند روزی که با هم در سفر بودند، یك اتفاق باعث مرگ شهاب شد. سینا که فکر می‌کرد اگر پرده از مرگ شهاب برداشته شود، کسی باور نمی‌کند که او در فوت دوستش بی‌تقصیر بوده‌است، در یك تصمیم اشتباه، اقدام به دفن دوستش کرد و همین باعث شد متهم به قتل شبه‌عمد دوستش شود. در پشت صحنه یك جنایت این هفته پای صحبت‌های متهم نشسته و به بررسی دلایل وقوع این قتل پرداختیم.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۱۴ سال قبل، پدر شهاب با دلهره و نگرانی به کلانتری ملارد رفت و خبر از ناپدید شدن ناگهانی فرزندش داد. مرد میانسال می‌گفت که قرار بوده پسر جوانش با دوستانش به سفر برود و سابقه نداشته که تلفنش را جواب ندهد. با این اوصاف اولین کسانی که مورد ظن پلیس قرار گرفتند دو دوست شهاب بودند که آخرین لحظه‌ها را در کنار آنها گذرانده بود.

دوستان شهاب به نام سینا و علی بازداشت شدند و در برخورد اولیه با پلیس از سرنوشت شهاب اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند، اما ضد و نقیض‌گویی‌های آنها ظن ماموران را بیش از پیش نسبت به آنها زیاد کرد و سرانجام اعتراف کردند که جسد شهاب را دفن کرده‌اند. آنها در اعترافات خود گفتند که شهاب حین مصرف مواد مخدر اوردوز کرد و از ترس این‌که نکند گرفتار شوند او را دفن کردند.

با اطلاعاتی که متهمان در اختیار ماموران پلیس قرار دادند، جسد شهاب در بیابان‌های اطراف شهریار کشف شد و سینا متهم به قتل شبه‌عمد و با رأی دادگاه محکوم به پرداخت دیه دوستش شد. او به خاطر این‌که توانایی پرداخت دیه را نداشت، ۱۴ سال در زندان ماند و در روزهای کرونایی تقاضای تبدیل قرار بازداشت او به قرار وثیقه پذیرفته و آزاد شد و حالا با داد خواست اعسار در پرداخت دیه بار دیگر به دادگاه آمد.

از ابتدایی سیگار می‌کشیدم

۱۴ سال از مرگ دوستش می‌گذرد اما هنوز نمی‌تواند در چشم پدر و مادر او نگاه کند. روی صندلی دادگاه می‌نشیند و دستانش به وضوح می‌لرزد. چند وقتی هست که طعم آزادی را چشیده، اما انگار با وجود پرونده قتل رفیقش که هنوز با آن دست به گریبان است این طعم آزادی زیاد هم به مذاقش خوش نیامده است. بعد از محاکمه دقایقی پای صحبت‌های سینا می‌نشینیم تا جزئیات ماجرا را از زبان خودش بشنویم.

از خودت بگو.

۳۷ ساله‌ام. از وقتی یادم می‌آید کار کرده‌ام. هر کاری که فکرش را بکنید. از کارگری و بنایی و کار روی بیل مکانیکی گرفته تا پادویی و کار در فروشگاه لوازم آرایشی.

اعتیاد داری؟

بله. همین اعتیاد این همه سال گرفتارم کرد. با شهاب و علی از سفر برگشته بودیم و داشتیم در خانه علی مواد مخدر مصرف می‌کردیم که پای من به این پرونده باز شد.

از روز حادثه بگو.

آن روز بعد از مصرف مواد مخدر حال شهاب بد شد. حالت تشنج به او دست داد. من خیلی ترسیده بودم اما سنم خیلی کم بود و فکر می‌کردم اگر او را به بیمارستان ببرم همه می‌فهمند که ما با هم پای بساط مواد مخدر بوده‌ایم و گرفتار می‌شوم. پدر شهاب در نیروی انتظامی کار می‌کرد و با خودم فکر می‌کردم اگر ماجرا را بفهمد روزگارم سیاه می‌شود. برای همین تصمیم گرفتم دکتر بیاورم بالای سر شهاب. بعد با علی سراغ یك پزشك رفتیم و از او خواستیم شهاب را ویزیت کند، اما هر قدر به او التماس کردیم قبول نکرد به خانه علی بیاید و شهاب را معاینه کند. این‌قدر اصرار کردیم که گفت فقط می‌توانم چند دارو به شما معرفی کنم که به او بدهید، اما چند بار تاکید کرد که اورژانس خبر کنیم.

به حرفش گوش دادید؟

نه، برای این‌که خیلی ترسیده بودیم. داروهایی را که معرفی کرده بود گرفتیم و آوردیم خانه تا بدهیم شهاب بخورد، اما دیگر کار از کار گذشته بود و او تمام کرده بود.

بعد چه شد؟

تصمیم گرفتیم او را دفن کنیم. می‌ترسیدم از این‌که خانواده‌هایمان بفهمند سر بساط مصرف مواد مخدر بودیم و از طرفی فکر می‌کردم گیر می‌افتیم و مقصر مرگ شهاب می‌شویم. برای همین شبانه جسد را به بیابان‌های اطراف شهریار بردیم و آنجا دفنش کردیم تا راز ماجرا فاش نشود.

چرا او را به بیمارستان نبردی؟ شاید احیا می‌شد.

نه، من مطمئنم تمام کرده بود. خودم نبضش را گرفتم. دیگر نبض نداشت. حالش خیلی بد بود و خون بالا آورده بود. خانواده او حق دارند از من گذشت نکنند، چون وقتی جسد شهاب پیدا شد، حیوان‌های بیابان قسمت‌هایی از بدنش را خورده بودند و همین باعث شد خانواده‌اش خیلی جریحه‌دار شوند.

چند وقت بود اعتیاد داشتی؟

از کلاس پنجم دبستان سیگار می‌کشیدم. وقتی دبیرستان رفتم چند بار از روی کنجکاوی مواد مخدر مصرف کردم و بعد هم گرفتار اعتیاد شدم.

و حالا باید دیه بپردازی؟

بله، اما من توان پرداخت دیه را ندارم. اگر می‌توانستم در این همه سال دیه را پرداخت می‌کردم که آزاد شوم. الان هم به‌خاطر شرایط کرونا بعد از سال‌ها به قید وثیقه آزاد شدم. البته مبلغی از پیش‌پرداخت دیه را هم‌بندی‌هایم در زندان برایم تهیه کردند تا با وثیقه‌ام موافقت شد. مادرم مستاجر و تحت پوشش کمیته امداد است. با همین وضع باید از فرزند من هم نگهداری کند، اما خانواده شهاب باور نمی‌کنند که من وضع مالی خوبی ندارم. خواهرم به‌تازگی در زمینی که سال‌ها قبل خریده بود خانه ساخته و آنها فکر می‌کنند ما خانواده پولداری هستیم، اما دارایی همسر خواهرم به من ربطی ندارد.

فرزند داری؟

بله یك پسر ۱۶ ساله دارم. وقتی زندانی شدم همسرم پا به ماه بود. بعد از به دنیا آمدن پسرم، همسرم به‌خاطر این‌که در این پرونده گرفتار شدم از من جدا شد. حالا پسرم فقط من را دارد و از وقتی آزاد شده‌ام خیلی به من وابسته شده، تا سر خیابان هم می‌روم همراهم می‌آید. انگار می‌ترسد که من را از دست بدهد.

این سال‌ها را در زندان چطور گذراندی؟

عاشق فوتبال بودم و مسابقات فوتبال را از تلویزیون نگاه می‌کردم. در زندان آرایشگری یاد گرفتم و کار می‌کردم. الان هم دلم می‌خواهد کار کنم تا اگر خانواده شهاب با پرداخت قسطی دیه موافقت کنند، بتوانم دیه رفیقم را پرداخت کنم و آینده پسرم را هم بسازم.

قدم محکمی به نام آموزش

دکتر سیدمحسن میرطالبی، دکترای مهندسی فرهنگی و مدرس دانشگاه سوره درباره پرونده قتل شهاب به جام جم گفت: «ناآگاهی از پیامدهای رفتاری و عدم مهارت در تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی بارزترین علل بروز این جنایت است. خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها باید در آگاهی دادن به جوان‌ها در هر زمینه‌ای که موثر در رشد فکری و شخصیتی آنهاست کوشا باشند. اگر شخصی از پیامد تصمیم و رفتار خود مطلع باشد، نیازی نمی‌بیند که هر پدیده‌ای را به شخصه تجربه کند و هیچان تجربه کردن خطر، بزنگاه خطرناکی برای انسان‌هاست. فرد باید آگاه باشد که کسب هر تجربه برای او چه عواقبی دارد و عدم آگاهی از این عواقب که ناشی از عدم آموزش صحیح است، چنین فجایعی به بار می‌آورد. علاوه بر این ضعف ارتباطات خانوادگی و پیوند بین جوان و والدین باعث می‌شود از مواجهه با برخورد و قضاوت خانواده‌اش آنچنان مضطرب باشد که ارتکاب به یك جنایت را برای سرپوش گذاشتن روی خطای خود انتخاب کند.

خانواده‌ها به سمت فردیت گرایش پیدا کرده‌اند و هر کس در خانه‌ای که با اعضای خانواده خود زندگی می‌کند در عوالم درونی خود تنهاست و همین باعث می‌شود نقش حمایتی خانواده‌ها کمرنگ باشد.»

متهم:
شبانه جسد را به بیابان‌های اطراف شهریار بردیم و آنجا دفنش کردیم تا راز ماجرا فاش نشود

پایان ۲۴ ساعت سرگردانی ۳ خانواده مشهدی

سه خانواده مشهدی که به قصد طبیعت‌گردی به دره شمخال قوچان رفته بودند، با جاری شدن سیلاب در مسیر صعب‌العبور گم شدند و بعد از ۲۴ ساعت توسط امدادگران هلال احمر نجات پیدا کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ماجرای مفقود شدن ناگهانی سه خانواده مشهدی که به قصد سفر و طبیعت‌گردی به سمت قوچان رفته بودند، صبح چهارشنبه توسط اقوام آنها به ماموران سپاه پاسداران اطلاع داده شد.

آخرین خبری که از ۱۲ زن و مرد مشهدی در دست اقوام‌شان بود حکایت از این داشت که آنها قصد سفر به دره شمخال را داشتند. جایی خوش آب و هوا در دل طبیعت که جاذبه گردشگری آن در تابستان مسافران را به آنجا می‌کشاند.

بارندگی‌های شدید عصر سه‌شنبه و احتمال جاری‌شدن سیلاب در منطقه، کافی بود که ماموران سپاه پاسداران احتمال دهند آن دوازده نفر در سیلاب گرفتار شده‌اند و موضوع به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات اضطراری خراسان رضوی اطلاع داده شد و بعد امدادگران هلال احمر قوچان برای یافتن ردی از گمشدگان عازم ماموریت جست‌وجو در منطقه شمخال شدند.

مسعود برازنده، رئیس جمعیت هلال احمر قوچان در گفت‌وگو با جام‌جم در مورد عملیات جست‌وجو گفت: «۱۲ نفر زن و مرد که سه نفر آنها مرد و بقیه زن و کودك بودند از روز یکشنبه سفر خود را به شمخال آغاز کرده بودند. سه‌شنبه بارش شدیدی در منطقه رخ داده بود و چون شمخال به سمت دوآبی، سیل‌گیر و مسیر آب سد هست؛ با بارش اندك باران هم حجم آب بالا آمده و رفت و آمد سخت می‌شود. اعضای این سه خانواده تا جایی که امکان تردد با ماشین وجود داشت، با خودروی خود رفته بودند و بقیه مسیر را پیاده در پیش گرفته بودند. پایین رفتن از دره راحت‌تر بوده، اما زمانی که می‌خواستند برای برگشت بالا بیایند، در گل و لای ناشی از راه افتادن سیلاب گرفتار شده بودند. در این منطقه مسافران باید با تجهیزات کوهنوردی به سفر بروند و امدادگران هلال احمر هم با تجهیزات کامل منطقه را جست‌وجو کردند و نزدیك ظهر چهارشنبه- دیروز- هر ۱۲ نفر را در سلامت یافتند.»

اعضای سه خانواده مشهدی بعد از راه افتادن سیلاب و صعب‌العبور شدن مسیر در محلی گرفتار شده بودند، اما حضور به موقع نیروهای امدادی آنها را از خطر دور کرد و بعد از دو روز سرگردانی در طبیعت، در حالی که به‌شدت خسته و مستاصل بودند توسط امدادگران هلال احمر و نیروهای سپاه در محلی اسکان داده شدند تا به شهر محل سکونت خود برگردند.

انتقام اسیدی در آشپزخانه شیشه‌ای

مردی که به قصد انتقام‌گیری از جوانی او را قربانی اسیدپاشی کرده بود، پس از دستگیری مدعی شد برای رهایی از انگیزه سیاه مرد خلافکار روی او اسید ریخته است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ۵ دقیقه بامداد دوشنبه ۶ مردادامسال سپری شده بود که صدای فریاد «سوختم سوختم» سکوت نیمه شب ساکنان کوچه جمشیدی درخیابان وحدت اسلامی را در هم شکست. مردم سراسیمه از خانه هایشان بیرون آمدند و دیدند پسر جوانی صورت و چشمانش را گرفته و فریاد می زند سوختم، مرا با اسید سوزاندند، کمکم کنید.

از سوی دیگر ساکنان یکی از خانه های کوچه در حال کتک زدن پسر ۲۳ ساله ای بودند. یکی ازهمسایه ها به اورژانس زنگ زد و به این ترتیب با حضور امدادگران قربانی اسید پاشی به بیمارستان منتقل شد. ماموران کلانتری بازار هم در محل حاضر شدندکه با تحقیقات اولیه معلوم شد مهرداد ۲۳ ساله که به شدت کتك خورده، عامل اسید پاشی است. متهم بعد از بهبود حالش اعتراف کرد علاوه بر آن جوان که با اسید سوزانده، دو خلافکارهم آنجا بودندکه سطحی سوخته اند و متواری شدند. اما او درباره انگیزه اش سکوت کرد. همچنین قربانی اسید پاشی نیز مدعی بود با متهم پرونده اختلاف نداشته و نمی داند چرا این بلا را سرش آورده است.

مهرداد دیروز نزد ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران گفت: قصدم فقط انتقام بود. در یک تولیدی پوشاک کار می‌کردم. والدینم سال‌هاست از هم جدا شده‌اند. زمانی که ۱۰ ساله بودم یکی از دوستانم دوبار به من تجاوز کرد و از ترس آبرویم در این سال‌ها راز این بلای سیاه را پنهان نگه داشتم . سه سال پیش عمه ام زیر زمین خانه اش را به مردی معروف به دایی احمد که قاچاقچی بود، اجاره داد و او آنجا را به آشپزخانه شیشه تبدیل کرد. در پی رفت و آمد به آنجا شیشه ای شدم و چندبارخواستم ترک کنم که نشد. مدتی پیش با سعید -قربانی اسید پاشی- در آنجا آشنا شدم.

وی افزود: سعید خلافکاربود. دو روز قبل از حادثه با او شیشه مصرف کردیم، بعد حس کردم قصد شومی دارد که از محل فرار کردم. به فکر انتقام بودم و ابتدا می خواستم با ضربه‌های چاقو او را بکشم و در کمپ پنهان شوم تا راز قتل او فاش نشود. چندبار اقدام کردم، اما نتوانستم او را بکشم.

شب حادثه به آشپزخانه شیشه دایی احمد که پاتوق معتادها و خلافکارها بود رفتم سعید وچند خلافکارهم آمده بودند. خواستم همان شب سعید را بکشم که نشد. گالن دو لیتری اسید را که برای تولید شیشه استفاده می شود برداشتم وبا صدا زدن سعید، اسید را روی او پاشیدم که سوخت و دستان و چشمانش آسیب دید. دو نفراز خلافکارها خواستند نجاتش دهند که کمی اسید هم روی آنها پاشیدم که سطحی سوختندو چون خلافکاربودند از من شکایت نکردند. خواستم فرارکنم و به کمپ بروم که دایی احمد و دوستانش کتکم زدند و نگذاشتند فرارکنم.

تحقیقات پلیسی از متهم در اداره ۱۶ پلیس آگاهی ادامه دارد.

قتل پیرزن بابت ۲ سکه طلا

تلنگر

پلیس جنایی پایتخت در جست و جوی فردی است که با ورود شبانه به خانه زن سالخورده و کشتن وی با سرقت دو عدد سکه بهار آزادی متواری شده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، زن ۸۲ ساله به تنهایی در طبقه دوم ساختمانی در محله نارمک پایتخت زندگی می‌کرد. فرزندانش یک روز در میان به دیدن او می آمدند و کارهایش را انجام می دادند و در این ایام کرونایی بیشتر پیگیر حال او بودند. آنها تا روز سه شنبه هفتم مرداد امسال با او تلفنی حرف زدند که حالش خوب بود. اما همان شب هرکدام از بچه ها که با خانه مادرشان تماس گرفتند، تلفن فقط زنگ می خورد و با او نتوانستند حرف بزنند. دل‌نگران شدند و با خواهرشان که در حوالی خانه مادر زندگی می‌کرد، تماس گرفتند و خواستند برای سرکشی آنجا برود که او بعد از نیم ساعت خود را به خانه مادر رساند. ساعت ۲۳ بود که با کلید یدکی در آپارتمان را بازکرد و وارد خانه شد. وسایل خانه به‌هم ریخته بود و از مادر خبری نبود. چند مرتبه مادرش را صدا زد، اما پاسخی نشنید. شروع کرد به جست‌وجو در خانه کرد و به حمام خانه که رسید ،صدای چکه چکه آب شنید. بیشتر نگران شده بود. در حمام را که بازکرد با صحنه عجیبی رو به رو شد، مادر روی موزائیک های حمام افتاده بود و نفس نمی‌کشید. روسری قهوه ای دورگردنش گره خورده و مادر مرده بود، دختر وحشت‌زده بود و جیغ زنان در حالی که گریه می‌کرد از خانه بیرون آمد و با رفتن در راهروی ساختمان با دادو فریاد از همسایه‌ها کمک خواست. آنها آمدندو دیدند جسد پیرزن در حمام افتاده است. همان موقع به پلیس ۱۱۰ اطلاع دادند. بعد از آن ماموران کلانتری در خانه ای که جنایت رخ داده بود، حاضر شدند. بررسی‌های اولیه خبراز یک جنایت می‌دادکه ماموران موضوع را به رحیم دشتبان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش دادند. زمانی که بازپرس و تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران پا به محل جنایت گذاشتند و آنجا را بررسی کردند، متوجه شدند دو ساعت از مرگ این زن گذشته و او براثر خفگی با همان روسری که دور گردنش گره خورده بود به قتل رسیده است. خانواده مقتول هم می‌گفتند مادرشان در خانه دوسکه بهار آزادی داشته که از داخل کمد سرقت شده است. شواهد نشان می داد در به زور باز نشده و فردی که دست به قتل زده با این خانه و مقتول آشنایی داشته که به راحتی واردشده و بعد از سرقت و قتل فرارکرده است. همچنین تحقیق از همسایه‌ها نیز نشان می داد آن شب صدای مشاجره و نیز چند بار باز و بسته شدن در آپارتمان مقتول را شنیده‌اند. پرونده این جنایت در شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات برای دستگیری قاتل شب رو که باسرقت دو سکه بهار آزادی از خانه مقتول متواری شده است، ادامه دارد.

اخبار کوتاه

زنی که به اتهام قتل فردی در زندان زنجان به‌سرمی‌برد بعد از ۹ سال بخشیده شد.

این زن ۹ سال پیش مرتکب جنایت شده‌بود که بعد از دستگیری و محاکمه وی خانواده مقتول برای او درخواست قصاص کرده‌بودند. سرانجام تلاش‌های واحد صلح‌وسازش اجرای احکام نتیجه‌داد و این زن اعدامی توانست رضایت خانواده مقتول را بگیرد و با آزادی از زندان نزد خانواده‌اش بازگشت.

مردی که سال ۹۴ در جریان یك مراسم عروسی در شهرستان عنبرآباد فردی را کشته و متواری بود بازداشت شد.

این متهم ۲۵ ساله بعد از جنایت تحت تعقیب پلیس بود و در زمان فرارش هم اعمال مجرمانه‌ای ازجمله سرقت مسلحانه، راه‌بندی مسلحانه و تیراندازی در حوزه شهرستان‌های جنوبی استان اقدام کرده‌بود. سرانجام قاتل فراری دیروز مخفیگاهش در جیرفت شناسایی و متهم به قتل بازداشت شد. از او یك قبضه کلت‌کمری با خشاب و هفت فشنگ جنگی نیز کشف شده‌است.

نوجوان ۱۴ ساله هنگام شنا در کانال آب روستای چوبر شفت افتاد و غرق شد.

این نوجوان همراه با دوستان خود برای شنا به داخل کانال آب کشاورزی روستای چوبر این شهرستان رفته‌بود که به‌دلیل بلدنبودن شنا غرق شد. امدادگران در تلاش برای یافتن جسد او هستند.